

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مشهد مقدس

جایگاه قبور ائمه ۱ - ۸۷/۱/۸

امتیاز شیعه

اگر شنیده باشید در زمان مرحوم علامه رحمه الله علیه، یک متفکر فرانسوی ماه‌های رمضان و تابستان‌ها به تهران و قم می‌آمد و با آن جناب بحث معارف دینی داشت. ایشان گفته بود من در پاریس در یک مجلس عمومی که دانشمندان دیگر ممالک هم بودند درباره شیعه سخنرانی کردم. در آنجا گفتم که امتیاز این مذهب در میان تمام مذاهب دنیا این

است که رابطه‌شان با خداوند متعال همیشه برقرار است.

اما مسیحیت این‌گونه نیست. سال‌ها پس از آن حضرت کار به دست کلیسا و کشیش‌ها افتاد، کشیش‌هایی که به وسیله مردم و دیگر کشیش‌ها انتخاب می‌شدند، که در واقع هم نمایندگی نداشتند و هم تشریفاتی بیش نبود. اما در شیعه طبق آیه شریفه:

«وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^۱

راه تفرقه بسته است. چرا که راه اجتماع درست کردن، انتخاب کردن و رأی دادن و... به هیچ وجه باز نیست، بلکه حجت فقط، حجتی است که پیامبر اکرم بعد از خودش تعیین و تعداد آنها را هم معلوم کرده است. حتی در بعضی از

۱- سوره آل عمران آیه ۱۰۳

روایات اهل سنت هم اسامی آنها را بیان کرده‌اند. بنابراین راه بشریت با خدای خودش همیشه روشن بوده و چراغ هدایت هیچ وقت دچار تاریکی نشده است.

در خطبه اول نهج البلاغه حضرت می‌فرمایند:

از زمانی که بشریت به وجود آمده تا به حال،

هیچ‌گاه زمین از حجت خدایی خالی نبوده است.^۱

بنابراین ما که الان به زیارت یک چنین خلیفه‌ای از خلفای خداوند آمده‌ایم در ذیل عنایت و در زیر پرچم وحدت قرار داریم.

۱- لَمْ يَخْلُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ خَلْقَهُ مِنْ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ أَوْ كِتَابٍ مُنْزَلٍ أَوْ حُجَّةٍ لَازِمَةٍ أَوْ مَحَجَّةٍ قَائِمَةٍ

ظلمات زمین

قسمتی از زیارت و ذکر که در این حرم شریف وارد شده، طلب رحمت برای این بزرگان و خلفای الهی است. در آنجا وارد شده:

اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ يَا وَلِیَّ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ

اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ يَا نُورَ اللّٰهِ فِي ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ

این مساله یک رساله می‌خواهد که کسی از دوستان و برادران طلاب علوم دینی درباره‌اش بنویسد و اطلاعاتی که در این باره تا حالا نصیبش شده، جمع آوری کند که نور خدا در ظلمات زمین یعنی چه؟

برای ظلمات زمین یک نور خدایی وجود دارد که خورشید است و روز به برکت آن روشن می‌شود. و اگر خورشید نتابد و یا زمین در حرکتش با آن مقابله نکند دیگر

ما روز نداریم. روز که نداشتیم معاش و زندگی همه مردم به هم می‌خورد، چرا که تهیه این همه نور از عهده بشر خارج است. ماه هم که در بعضی از شب‌ها روشنی می‌دهد باز به برکت خورشید است. از این نور مورچه‌ها، مگس‌ها، حشرات، درختان، سبزه‌ها و گیاهان هم استفاده می‌کنند؛ اما «ظُلُمَاتِ الارض» که در این زیارت گفته شده معنای دیگری دارد و آن مخصوص انسان‌هاست.

وقتی انسان‌ها متولد می‌شوند، پدر و مادر در پرتو نور خورشید و حرکت زمین می‌توانند آنها را نگهداری کنند، غذا بدهند، شیر بدهند، گهواره برای آنها درست کنند و ... ولی بچه‌ها در طفولیت زیاد باقی نمی‌مانند. چند سالی که گذشت به بلوغ و عقل می‌رسند، آن وقت تازه اول تاریکی بشریت است. تاریکی آنها این است که نمی‌دانند این دستگاه با عظمت برای چه پیدا شده است؟

مهمان خانه خدا

این طلوع و غروب خورشید با این عظمت، این گردش شب و روز و زمین، این پیدایش ابر و باد و باران و برف، رویش نباتات و میوه‌ها و سبزیجات و... نشان می‌دهد که اینجا یک مهمان‌خانه‌ای است، مهمان‌خانه‌ای که صاحبش را باید پیدا کرد! تا انسان صاحب آن را نشناسد و نداند که از او چه توقعی دارد در ظلمات است. یعنی چشم حیوانی‌اش باز است و نور آسمانی خورشید به او استفاده می‌دهد ولی در عین حال در تاریکی است. به این تاریکی می‌گویند «جاهلیت».

این جاهلیت، نادانی بشر است. و تفرقه از همین جا پیدا می‌شود که هر گروهی، هر انسانی با خودش یک جور اندیشه می‌کند از این و آن یک جور صحبت و راه و چاه می‌پرسد و اسیر جهل می‌شود. لذا دچار پرستش ماه، ستاره، بت و

بت خانه می شود. الان در هند چقدر بت خانه وجود دارد! چقدر گاو پرست وجود دارد! وقتی گاوها به خیابان می آیند و پخش می شوند باید همه اتوبوس ها و ماشین ها بایستند تا این گاوها خودشان رد بشوند و بروند و کسی هم جرأت اینکه بیاید گردن و شاخ شان را بگیرد و به طرفی بکشد تا ماشین ها بروند را ندارند، چون گاوها پیش آنها محترم هستند.

این جاهلیت از جاهلیت کوری و نبودن نور کمتر نیست، چون انسان ۱۰، ۱۵ سال بچه و کودک است و مشغول زندگی های ابتدایی است، اما همین که به رشد رسید و یک مقداری فهم پیدا کرد دیگر نمی داند چه کار باید بکند؛ برای اینکه مرگ و تابوت و قبرها و آمد و شد بشر را می بیند، می بیند پدرش، مادرش، جدش یا همسایه اش یک زمانی بوده اند اما حالا نیستند. همین طور مرتب از یک طرف در بیمارستان ها و زایشگاه ها اولاد می آید و از طرف دیگر هم تابوت ها و ماشین های نعش کش به سمت بهشت زهرا علیها سلام

در حرکتند؛ با این اوصاف این انسان چه باید بکند؟ چه فکری باید بکند که بفهمد این دستگاه برای چه گسترده شده است؟ خودش برای چه آفریده شده است؟ این نادانی را ظلمات جاهلیت می‌گویند.

انبیاء و ائمه نور این ظلمات

انبیاء نور این ظلمات هستند. و ائمه هم پس از پیامبر خاتم - حضرت محمد صلی الله علیه و اله - شمع‌هایی هستند که آن حضرت پس از خودش روشن کرده و گذاشته و فرموده که با تمسک به آنها متفرق نشوید. چرا که این آیه قرآن بر او نازل شده که: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^۱

اگر این شمع‌ها نباشد آیات شریفه قرآن نمی‌تواند به افکار نور بدهند، چون افکار باید قابلیت این نور را داشته باشند. لذا در سوره مبارکه نور می‌فرماید:

«مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ»^۱

اگر بخواهیم نور خداوند را برای شما مثال بزنیم باید طاقچه‌ای را در نظر بگیرید که چراغی روی آن هست. که این چراغ بسیار مفید و نورانی و همچنین روشن کننده و واضح کننده امور است. در آیه بعد می‌فرماید: باید بدانید این چراغی را که مثال زدیم در همه جا روشن نمی‌شود بلکه:

«فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ»^۲

یک جمعیت خداشناس که روشن به نور خدا هستند، اینها تسبیح گوی خداوند، اینها نماینده مقام علم و کمال و رحمت و برکات الهی هستند.

«رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ»^۱

۱- سوره نور آیه ۳۵

۲- سوره نور آیه ۳۶

این آثار ظلمات این زمین است که انسان دارای تجارت، صنعت، اکتشافات و... هست، سفینه‌ها آدم را به این کره و آن کره می‌برند، ولی او نمی‌داند برای چه خلق شده است؟ این وسایل، وسایل چه کاری هستند و ما را به کجا می‌رسانند؟ این مرگی که بلافاصله در عرض ۱۰ یا ۲۰ یا ۳۰ سال نصیب مخترع، موشک سوار، زیر دریایی سوار می‌شود، عاقبتش به کجا می‌رسد؟ این ظلمات با هیچ اختراعی با هیچ تفکری با هیچ فیلسوفی رفع نمی‌شود مگر اینکه بیاییم در خانه امام رضا علیه السلام و عرض کنیم:

«الْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ

اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ»

این حضرت و آباء کرام و فرزندان معصومش هیچ‌گاه دنیا را تنها نمی‌گذارند. به همین خاطر است که امروز وجود

مبارک نور چشم حضرت رضا علیه السلام حضرت مهدی عجل الله فرجه این نمایندگی را دارند. و البته خیلی هم به اجداد خودشان ارادت دارند.

در حدیثی که در مفاتیح هم هست، آمده است: شخصی خدمت ایشان رسید و عرض کرد: فلان دوست ما عربی از عرب‌های اطراف نجف است که به مشهد مشرف شده و چند روزی آنجا بوده است. بعدا برای ما صحبت می‌کرد و می‌گفت: «من دیگر خودم را به خیر و نجات رساندم بعد از این دیگر من عاقبت به شر نمی‌شوم! فرشتگانی که جلوی افراد را می‌گیرند دیگر جلوی من را نخواهند گرفت.» آیا حرف این شخص درست است؟ حضرت فرمودند: بله جد من حضرت رضا علیه السلام ضامن است.

پس ببینید اینها چه افتخاراتی برای هم هستند و چقدر به یکدیگر احترام می‌گذارند. این است که بحمدالله الان این

نور خدا نصیب بنده و شما دوستان شده و موفق شدیم به سوی این نور بیاییم.

حج واقعی خدا

در تتمه زیارت در جایی که خلوت باشد خود را به ضریح متصل می‌کنیم و اگر نباشد در دیگر جاهای حرم، عرض می‌کنیم:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَدَدْتُ مِنْ أَرْضِي»

خیلی حرف است این! خدایا من از جای خودم در تهران یا دیگر جاها به قصد تو و برای زیارت تو حرکت کرده‌ام. چرا که نور خدا در ظلمات ارض یعنی همان «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ» و عرش الهی و بهشت الهی، در باطنِ این مکان مقدس قرار دارد. در واقع ما به سوی حج واقعی خدا آمده‌ایم و لذا اگر حج واجب را انجام داده باشیم دیگر لازم نیست

تکرار کنیم اما اینجا هر چه بتوانیم باید تکرار کنیم و جا دارد.

«وَقَطَعْتُ الْبِلَادَ رَجَاءَ رَحْمَتِكَ»

این شهرها را زیر پا گذاشتم و به امید رحمت تو آمده‌ام. که رحمت خداوند هم ائمه هستند.

من یادم هست در زمان کودکی اهل منبر - که خدا آنهایی که رفته‌اند را رحمت کند و با امام حسین علیه السلام محشور کند و آنهایی که هستند را توفیق بیشتری بدهد - در همه جا و همچنین در کرمانشاه وقتی در شب‌های جمعه به منزل عمویم می‌آمدند و روضه می‌خواندند اول کلمه‌شان این بود:

«يا رحمة الله الواسعة و يا باب نجاة الأمة»

«باب نجات الأُمَّة» همان است که در آیه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا» آمده است.

«یا رحمة الله»، ای رحمت الهی که خداوند زمینش را برای کورهایی که نتوانند حرکتی بکنند نیافریده است. فرض کنید خدای نخواستہ در یک بیمارستان، عده‌ای که درد چشم دارند و جایی را نمی‌بینند را بیاورند اگر در آنجا پرستارهایی برای راهنمایی نباشند، آنها نمی‌توانند از جای‌شان حرکت کنند. این دنیا این‌گونه است. بدون امام، بدون نور امام، بدون زیارت امام، بدون توسل به امام کور بازی است!

الان تمام اروپایی‌ها، آمریکایی‌ها، آسیایی‌ها مثل هندی‌ها و چینی‌ها همه کور هستند. چون هیچ‌کدام نمی‌دانند جهان برای چه بر پا شده است تا آن را انجام بدهند و به سوی محل درخشندگی آن نور سفر راه بیاندازند و خود را به نور

برسانند مگر شیعیان. این است که ما باید برای پدر و مادرهای خودمان دعا کنیم که خدا به آنها توفیق داده که این مذهب نصیبشان شد و به امانت به ما سپردند. و ما هم باید به دیگران از دوستان و آشنایان گرفته تا ذریه و بچه‌های خود برسانیم و این مطالب را هضم و تزریق‌شان کنیم.

خلقت خداوند توجه خداست

بعد از آن به دعای بعد از نماز زیارت می‌رسیم که در این دعا یک دوره اسفار و کتاب‌های حکمت و معرفت در چند سطر وارد شده است. در آن عرض می‌کنیم که:

خدایا! ما از جای خودمان به اینجا آمده‌ایم به جایی که عرش رحمت توست و تو به آن توجه داری.

«أَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ النَّافِذَةِ فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ»

تو را به آن قدرتی که در تمام موجودات نفوذ دارد قسم می‌دهیم که یکی از آنها ما هستیم. ما الان در نفوذ قدرتِ خدا هستیم که همان امام است، در نفوذ علم خدا هستیم که امام است، در نفوذ رحمت خدا هستیم که امام است. ما در صفات رحمت الهی غرقیم.

«وَبِالنَّظَرِ الَّتِي نَظَرْتَ بِهَا إِلَى الْجِبَالِ فَتَشَامَخَتْ وَإِلَى الْأَرْضِينَ فَتَسَطَّحَتْ وَإِلَى السَّمَاوَاتِ فَارْتَفَعَتْ وَإِلَى الْبِحَارِ فَتَفَجَّرَتْ»

این است آن سطری است که عرض کردم تمام معارف در آن است! برای اینکه ما وقتی إن شاء الله به کتب فلسفه می‌رسیم علمای بزرگ حکمت و معرفت اسلامی با چند مقدمه و باب اول و باب دوم، غرر اول و غرر دوم، جلد اول و جلد دوم، یک مطالبی را به ما می‌گویند که حاصلش این است که خلقت خداوند نظر خداست! توجه خداست!

«إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»^۱

خلقت خداوند قول خداست. خداوند یک ذات مقدسی است که دیدنی و شیندنی با چشم ظاهری نیست. و تمام اشیاء به برکت حول و قوه او برپا هستند. الان جناب عالی، رفقا و آقایان با چه گوش می‌کنید؟ با روح! روح چیست؟ رحمت الهی است. پس با رحمت الهی که ارواح همه در آن غرقند ما یکدیگر را می‌بینیم، می‌شناسیم و حرف می‌زنیم.

در خارج از خودمان این زمین چیست؟ این کوه‌ها و خورشید و ماه چه هستند؟ اینها همه یک نظره و یک توجهی از خدا بیشتر نیستند. اگر آن توجه قطع شود هیچ چیز نیستند. پس اشیاء این گونه که چشم حیوانی می‌بیند نیستند. در قرآن هم در سوره نبأ و جاهای مختلف وارد شده که کوه‌ها سراب می‌شوند، سراب یعنی چیزهایی که نیستند

ولی آدم خیال می کند که هستند. تمام اشیاء با توجه الهی موجود هستند.

«أَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ النَّافِذَةِ فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ وَ قَضَائِكَ الْمُبْرَمِ»
تا اینجا می رسد که «وَبِالنَّظَرَةِ الَّتِي نَظَرْتَ بِهَا إِلَى الْجِبَالِ
فَتَشَامَخَتْ وَ إِلَى الْأَرْضِينَ فَتَسَطَّحَتْ» که همین مضمون در
دعای سمات هم وارد شده که بزرگان ما فرموده اند: در دعای
سمات مخّ معارف الهی وجود دارد.

«وَ إِلَى السَّمَاوَاتِ فَارْتَفَعَتْ وَ إِلَى الْبِحَارِ فَتَفَجَّرَتْ»

مثال چگونگی خلقت الهی که آن را هم خدا برای بشر
خلق کرده این است که: الان به مدرسه مروی که در آن
حجره ای داری نظر کن. فورا آن را در ذهنت می بینی. قبلا
که عرض نکرده بودم شما به حجره ات توجه نداشتی، اما حالا

که به حوضش، به سطحش، به طبقاتش، به مدرسه مروی و به تهران نظر می‌کنی، می‌بینی تمام موجود می‌شوند.

خداوند اشیاء را با نظره موجود کرده است. پس من، شما، زمین، آسمان، کوه، دریا و... این‌گونه که می‌بینیم نیستند. اگر إن شاء الله بتوانیم معنا و روح خودمان را با تحصیل علم نور خدا که حضرت رضا و ائمه علیهم السلام هستند هدایت بکنیم به جایی می‌رسیم که:

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند

بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت

تحصیلات علمی، تحصیلات علوم است که در این زیارات و ادعیه و در این مفاتیح وارد شده است. و برای خواندن آنها باید دل شکسته پیدا کرد، یعنی از جهل و نادانی دل شکسته شد.

مردم سه دسته‌اند

در حکمت ۱۳۹ نهج البلاغه که حضرت با کمیل صحبت می‌کنند می‌فرمایند: در سینه من علوم زیادی انباشته شده است، اما کسی را ندارم که با او گفتگو کنم برای اینکه اینهایی که هستند اهل دنیا هستند و علم را می‌خواهند تا با آن مسلح شوند و حق و اهل حق را بکوبند. من هیچ وقت این کار را نمی‌کنم که به آنها بیاموزم. در آن حکمت می‌فرمایند:

«النَّاسُ ثَلَاثَةٌ: عَالِمٌ رَبَّانِيٌّ، وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ، وَ هَمَجٌ رَعَاةٌ»

مردم سه دسته‌اند: عالم ربانی، متعلمی که در سبیل نجات است و غیر از این دو گروه مابقی مگسانند، انسان نیستند بلکه حیوانند.

مرحوم شهید مطهری در مقدمه کتاب «سیری در نهج البلاغه» می‌فرماید: «خدا به من استادی نشان داد که

می‌دانم عالم ربانی بود اما خودم آیا متعلم بر سبیل نجات بودم یا نه تردید دارم.» چرا؟ برای خاطر اینکه تحصیلات یک نیت صاف می‌خواهد که انسان فقط بخواهد از ظلمات به نور پناه ببرد و هیچ چیز دیگری هدفش نباشد. خواندن ادبیات، منطق، تفسیر، فقه و ... مثل درس‌های دبستان است. اما دبستان انسان را به جایی نمی‌رساند. فقط نبودنش انسان را به مشکل می‌اندازد. اما بودنش انسان را به جایی نمی‌رساند. این علوم همه لازم است و باید کوشش کرد و آنها را خوب خواند و فهمید اما باید به خاطر درک این مسائل خواند.

اما حضرت می‌بیند هوس آنها هوس دنیاست و اگر بخواهد به آنها علم بیاموزد آلت دست‌شان می‌شود لذا کمیل را به تنهایی بیرون شهر می‌برد و با او صحبت می‌کند و می‌فرماید که من دانشجو ندارم.

حالا که ما الحمدلله موفق به این انقلاب شدیم - و خدا مرحوم امام و شهدا را غریق رحمت بکند و ما را ادامه دهنده راه آنان قرار بدهد- **باید هوسی جز نجات از جهل به نور نداشته باشیم.** زندگی بکنیم، ان شاء الله ازدواج بکنیم، ان شاء الله نسلی درست بکنیم اما هیچ یک از اینها هدف نیست. همه اینها لوازم زندگی است اما هدف این است که حضرت می‌فرمایند:

«لم يستضيئوا بنور العلم»

من کسی را می‌خواهم که بخواهد از تاریکی به سوی نور علم فرار کند و نور علم را از من بگیرد اما نیست. یا پی پولند یا پی مقامند یا پی دشمنی با یکدیگرند. علم را می‌خواهند برای این مسائل وسیله کنند. این است که من با تو یک نفر دارم حرف می‌زنم. کسی را ندارم.

حالا بحمدالله راه نجات و تحصیل علم درست شده است. شما برادران و عزیزان باید از اینجا که می‌روید **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** سوغات پناه بردن از ظلمات به **نور ائمه علیهم السلام** را با خودتان ببرید.

این راه ظاهر و باطنی دارد. راه ظاهریش تحصیل علوم لازم و راه باطنیش حداقل در شبانه روز یک بار توسل به **ائمه علیهم السلام** است ولو یک ربع ساعت، بعد از نماز صبح یا پیش از آن، هنگام سحر یا ظهر و ... هر موقع وقت کرد یک زیارت مختصر از ائمه مخصوصا سیدالشهدا **علیه السلام** بخواند و گریه و ندبه و ناراحتی و ناله کند.

انواع گریه

مسئله ناله و گریه دو جور است. یک جور ساختگی که آدم گریه‌اش نمی‌آید ولی خودش را به گریه می‌زند تا در مجلس مصیبت ثواب ببرد. اما یک وقت نه، جگرش می‌سوزد

وقتی جگر سوخت آن موقع فریاد و ناله هم عبادت می‌شود. این را هم اینجا عرض کنم که اگر کسی ایراد گرفت که سر و صدا در گریه نباید کرد جوابش در همین مفاتیح آمده است.

«چون مامون امام رضا علیه السلام را از مدینه به خراسان طلب کرد حضرت به جهت وداع با قبر پیامبر داخل مسجد شد - حالا من که توفیق ندارم إن شاء الله شما برای وداع داخل حرم خواهید شد - مکرر با قبر آن حضرت وداع می‌کرد»
یعنی با حضرت و الا قبر که وداع ندارد.

«و بیرون می‌آمد و برمی‌گشت نزد قبر»

دلش نمی‌آمد برود چون می‌دانست که سفر آخرش است و دیگر مدینه را نخواهد دید.

«هر دفعه صدای مبارکش به گریه بلند بود»

ببینید می‌گوید صدای حضرت رضا علیه السلام در وداع با جدش در مدینه به گریه بلند بود؛ خدایا از آن گریه‌ها و دل

سوختگی‌هایی که شیعیان در مواقع حرم‌ها و زیارت‌ها دارند
ما را بی نصیب مفرما.

«راوی می‌گوید که من جلو رفتم و گفتم که إن شاء الله
سفری است پر خیر و عافیت. فرمودند: نه! مرا زیارت کن. از
اینجا که بروم در غربت پهلوی هارون دفن می‌شوم.»

روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمودند: «زمانی که
می‌خواستم از مدینه به سوی خراسان بروم، عیال خود را
جمع کردم و به ایشان امر کردم که بر من گریه کنند؛»

گریه کردن از راه محبت انسان را پاک می‌کند، زنگ‌های
قلب انسان را می‌برد. خدایا ما را بی نصیب نفرما.

«امر کردم آنها را که بر من گریه کنند تا گریه ایشان
بشنوم؛»

گریه آهسته که شنیدنی نیست، یعنی ناله کنند، فریاد
بزنند، مصیبت به پا کنند. آن شاعر هم می‌گوید وقتی

خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم فرمودند: بلدی شعر بخوانی؟ عرض کردم بله. فرمودند: بخوان. شروع کردم. دیدم صدای زن‌ها از پشت پرده بلند شد و زنان حضرت صادق علیه السلام شیون می‌کردند.

امیدواریم که حضرت إن شاء الله به همه دوستان و زائران و به این پیر مرد روسیاه در خانه‌شان نظری بکنند.

إن شاء الله که همه با محبت و گریه از دنیا برویم، در حال زیارت از دنیا برویم. ممکن است انسان در تخت خواب و زیر جراحی باشد اما در حال زیارت باشد. توجه‌اش به بیمارستان نباشد بلکه توجه‌اش به امام رضا علیه السلام و ائمه علیهم السلام و امام عصر عجل الله تعالی فرجه باشد.

وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ